

اعتباربخشی اجتماعی بر مفهوم
تعلق‌پذیری در محلات تاریخی
(نمونه مطالعاتی: محله دردشت اصفهان)

(صفحات ۸۳ تا ۱۰۴)

DOR:20.1001.1.17358663.1402.18.54.4.2

نوع مقاله: پژوهشی

ساناز رهروی پوده^۱ * علی عسگری^۲

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱

دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۷

چکیده

محله دردشت، هسته اصلی گسترش شهر اصفهان و یکی از بافت‌های ارزشمند، با قابلیت‌های تاریخی و فرهنگی در این شهر محسوب می‌گردد. در حال حاضر در این محله گروه‌های اجتماعی مختلف سکونت دارند که طبیعتاً میزان وابستگی ایشان به ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و بومی این محله متفاوت است. باور بنیادین این پژوهش آن است که بین نوع شغل، جنسیت و رده سنی ساکنین با میزان تعلق به محله، رابطه مستقیم وجود دارد. این مقاله بر آن است که میزان تعلق‌پذیری نسبت به سکونت بومی در این محله را بررسی نموده و بر آن اساس، گروه‌های اجتماعی تعلق‌پذیر را به‌عنوان سرمایه‌هایی اجتماعی در این بافت تاریخی شناسایی نماید تا در جهت حفظ و جلوگیری از فرسوده‌شدن این بافت ارزشمند گامی مؤثر برداشته شود. این پژوهش مبتنی بر پارادایم تفسیری و ساختارگرا، پس از شناسایی مؤلفه‌های مستند از پژوهش‌های پیشین مشابه، اقدام به پیمایش و پرسشگری جهت استخراج نتایج معنادار خواهد داشت. بر این اساس، پژوهش بر نگرش سنجی استوار بوده و از راهبردهای اسنادی در بخش نظری و پیمایش اجتماعی کیفی در بخش میدانی، استفاده می‌نماید. تحلیل‌های انجام‌شده آشکار کرد که گروه سنی سالمند با شغل مغازه‌دار، برای آقایان و خانه‌دار برای خانم‌ها بیشترین میزان حس تعلق مکانی به محله زندگی خود را دارا بوده و کمترین میزان حس تعلق به محله زندگی در این محله، مربوط به گروه سنی جوان و گروه شغلی پزشک بوده است.

واژگان کلیدی: اشتغال، حس تعلق، سن و جنسیت، سکونت بومی، محله دردشت.

۱. استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
۲. استادیار، گروه معماری، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) a.asgari@qodsiau.ac.ir

۱- بیان مسئله

یکی از نیازهای اساسی و مشترک انسان‌ها، شکل‌گیری نظام محله‌های مسکونی به صورت واحدهای اجتماعی- کالبدی هست؛ زیرا از یک‌سو، نیازهای روحی و روانی و از سوی دیگر نیازهای اقتصادی، اجتماعی و امنیتی ایجاب می‌کند که خانوارها در قالب نظام محله‌ای، روابط اجتماعی سالم‌تر، دقیق‌تر و کم‌هزینه‌تری با یکدیگر داشته باشند (پاکراد، ۱۳۶۹: ۱۶). محله بخشی از تقسیم‌بندی کالبدی- فرهنگی شهر با حوزه یا فضای جغرافیایی مشخص، وابستگی‌ها، علاقه‌ها، احساسات، تعلق اجتماعی، روابط همسایگی و الگوی مشترک زندگی است که در استیلای سلسله‌مراتب فضای شهر قرار دارد (شکویی، ۱۳۶۲: ۱۲۸). زندگی ساکنین محله، گذشته از دارا بودن روابط اجتماعی پویا در یک محدوده‌ی جغرافیایی معین، به واسطه وجود معیارهای ذهنی، مانند احساس سرنوشت، هویت مشترک و تعلق فرهنگی و معیارهای عینی، چون قلمروی زیست مشترک و تشریک‌مسابی در جهت بهبود زندگی جمعی و تأمین نیازهای اولیه اصلی با یکدیگر درهم آمیخته است (Sarrafi, 1992: 37). هرچقدر این هویت فرهنگی و مشارکت فرهنگی افزایش یابد، فعالیت‌های خلاق و نوآورانه افزایش یافته و اعتماد گسترش می‌یابد (قائد امینی هارونی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۱).

انتخاب محله در دشت از آن جهت است که نه تنها یکی از بزرگ‌ترین محله‌های مسکونی شهر اصفهان، محسوب می‌شود، بلکه با وجود مسجد جامع و قدیمی‌ترین بخش بازار و حمام کهنه به‌عنوان یک مجموعه فرهنگی، اقتصادی و مسکونی، مورد توجه شهرسازان و معماران قرار گرفته است. عدم شناخت گروه‌هایی که احساس تعلق به محله دارند و نیز عدم توجه به نیازهای آن‌ها در جهت ارتقاء کیفیت محل سکونتشان، منجر به بروز معضلات متعدد در ارتباط با برنامه‌ریزی‌ها و طراحی‌های مرتبط با این محله خواهد بود و بالعکس، شناخت نسبت به وجوه مختلف این مسئله به ارتقای کیفی هرگونه برنامه‌ریزی، مداخله و طراحی در این بافت ارزشمند کمک خواهد نمود که ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر را دوچندان می‌نماید. وجود شاخص‌های تاریخی در این محله باعث گردیده این محله به‌عنوان یک محور تاریخی، فرهنگی شناخته‌شده و از اهمیتی خاصی برخوردار باشد. محله در دشت را می‌توان به‌عنوان اصلی‌ترین هسته پیدایش شهر اصفهان به شمار آورد (اسمعیلیان و پورجعفر، ۱۳۹۲؛ شفق، ۱۳۷۶: ۳۸۹)؛ به همین منظور

تلاش جهت حفظ بافت ارزشمند این مهم به صورت زنده و خودجوش و حضور ساکنان بومی در محله مؤثر خواهد بود؛ لیکن به علت فقدان تسهیلات زندگی در بافت و معاصر نشدن آن، بخشی از خانوارهای اصیل و قدیمی مهاجرت کرده و دیگران با رویکردهای اقتصادی (ارزش پایین ملک و اجاره‌بها) در آن ساکن شده‌اند.

لذا تحقیق حاضر بر آن است که بتواند گروهی که نسبت به محله دردشت احساس تعلق دارند را مورد شناسایی قرار دهد؛ همچنین با توجه به شناخت گروه تعلق پذیر به محله بتواند بستر مناسب در راستای کاهش میزان افول این بافت تاریخی ارزشمند را فراهم نماید. با توجه به اهداف ذکر شده، سؤالاتی که در این مقاله مطرح و بدان پرداخته خواهد شد به شرح زیر است:

- ۱) چگونه سن افراد می‌تواند بر میزان حس تعلق در محله دردشت تأثیر گذار باشد؟
- ۲) تعلق محله‌ای، به چه میزان از انتخاب شغل افراد تأثیر می‌پذیرد؟
- ۳) کدام گروه (سنی، شغلی و جنسی) دارای احساس تعلق نزول یافته‌ای نسبت به محله دردشت دارا می‌باشند؟

۲- ادبیات پژوهش

۱.۲. ادبیات پژوهش

ادراک شهروندان از محل زندگی، موضوع برخی پژوهش‌های داخلی و خارجی بوده است، مطلبی در مقاله‌ای تحت عنوان: «روان‌شناسی محیطی، دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری» به معرفی دانش روان‌شناسی محیط و ارائه مباحثی در مورد ارتباط بین رفتار انسان و محیط کالبدی و اهمیت شناخت این ارتباط برای مقاصد طراحی می‌پردازد (مطلبی، ۱۳۸۰). در برخی از پژوهش‌ها، به بررسی مفاهیمی چون خلوت، قلمرو پایی، فضای شخصی و تعامل اجتماعی در مناطق مسکونی پرداخته شده است (لنگ، ۱۳۸۸). بعضی از پژوهشگران، به بررسی رفتار اجتماعی انسان در ارتباط با محیط کالبدی او پرداخته‌اند و نحوه استفاده افراد را از محیط در روند تعامل اجتماعی، به‌ویژه برحسب مفاهیم کلیدی خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام مطرح کرده‌اند (آلمن، ۱۳۸۲). تعداد دیگری از محققین، به بررسی مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن پرداخته‌اند. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد: حس تعلق از معیارهای ارزیابی محیط‌های

با کیفیت بوده و در معماری و رشته‌های طراحی محیطی، ویژگی‌های کالبدی نظیر فرم و روابط اجزاء کالبدی با تأمین و تأکید بر فعالیت‌های اجتماعی محیط، نقش مؤثر در شکل‌گیری حس تعلق دارا، می‌باشند (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۸۹). محققان در تحقیقی، به بررسی حس تعلق به واحدهای همسایگی و محله را بین زنان سالمند (۷۳ تا ۷۸ سال) مورد بررسی قرار گرفته است. رضایت افراد نسبت به محله و حس تعلق به آن، منجر به بهبود وضعیت جسمانی و روانی ساکنین و کاهش استرس و افزایش فعالیت آن‌ها می‌شود. در واقع هدف اصلی در این مقاله اثبات تأثیر حس تعلق به محله زندگی در سلامت فردی و اجتماعی زنان سالمند می‌باشد (Young, 2004).

در تحقیقی دیگر پیرامون ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی دلبستگی به مکان، درمی‌یابیم که حس دلبستگی به مکان از طریق افزایش کیفیت کالبدی و ایجاد ادراک محیطی که موجب شکل‌گیری فعالیت‌های جمعی می‌شود، افزایش می‌یابد و بهبود کالبدی محیطی فضای جمعی موجب ارتقای سطح دلبستگی ساکنان و کیفیت زندگی آنان می‌گردد (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹).

به عقیده رحیمی و همکاران (۱۴۰۰) در تحلیل و بررسی میزان تأثیر زمینه‌گرایی بر دلبستگی به مکان در محله‌های تاریخی درمی‌یابیم که میان جنبه‌های زمینه‌گرایی و دلبستگی به مکان ارتباط خطی وجود داشته و اصلی‌ترین عامل تأثیرگذار بر آن ابعاد کالبدی و تاریخی آن بستر می‌باشد.

همچنین محققان در پژوهشی دیگر پیرامون واکاوی عوامل مؤثر بر دلبستگی به مکان در بازار بیان داشته‌اند که مؤلفه‌های تأثیرگذار در ایجاد این مهم به شاخص‌های مکانی، انسانی و زمانی تقسیم می‌گردند که از این میان نیز مؤلفه‌های مکانی (عوامل کالبدی مکان) و انسانی (عوامل ادراکی) مؤثرترین عامل در ایجاد دلبستگی به بازار هستند و در نهایت، در بررسی زیر شاخص‌های مربوط به عوامل ادراکی مکان، عامل خاطره‌انگیزی و سپس هویت‌مندی و از جهت عوامل کالبدی مکان عامل دسترسی، فرم و فضا بیشترین تأثیر را در ایجاد دلبستگی به مکان برخوردار می‌باشد (مجتبوی و همکاران، ۱۴۰۰).

شیخ بگلو (۲۰۲۰) نیز در پژوهش خود در این زمینه بیان داشته است که هرچه میزان دلبستگی به مکان نزد فرد فزونی یابد میزان مشارکت‌های اجتماعی و وفاداری وی به آن

مکان نیز فزونی می‌یابد. به عبارت دیگر، میان عامل دل‌بستگی به مکان و مؤلفه‌های مشارکت اجتماعی و وفاداری ارتباط خطی و مستقیم وجود دارد.

پژوهش‌های دیگری نیز حول محلات تاریخی و قدیمی اصفهان صورت گرفته است. از این پژوهش‌های می‌توان به مؤمنی و همکاران (۱۳۸۹)، اسمعیلیان و پورجعفر (۱۳۹۲) و زمانی و هنرور (۱۳۹۴)، اشاره نمود. در این مقالات که پیرامون محلاتی همچون دردشت، جویبار، چهارسوقی‌ها، ملاصدرا و دوظفلان شهر اصفهان نگارش شده‌اند، رویکردهای متنوعی در سنجش مکان و خوانش حس تعلق به آن دیده می‌شود. به‌طور مثال در مقاله اول که از زاویه دید نوسازی به محله صورت گرفته، اساس تصور نگارندگان بر نوسازی و بهسازی و مشارکت مردمی در این مقوله است. حال آنکه چه جمعیتی و چه جامعه‌ای متناسب با روحیه‌ی این بهسازی و نوسازی مورد توجه باشد، مطرح نشده است. در مقاله دوم که بر محله دردشت اصفهان نیز تأکید داشته، نوع نگاه بر پایه محوریت نگاه کالبدی و عوامل شکل‌دهنده‌ی شبکه فضاهای شهری است. در مقاله سوم، نویسندگان با نگاه بر مفهوم محله به موضوع ورود داشته و سعی نمودند عوامل کالبدی و اجتماعی را در محلات تاریخی اصفهان در شکل‌گیری دل‌بستگی مکانی مورد سنجش قرار دهند. این نگاه که همسوتر با محوریت کلامی نوشتار حاضر است، هویت اجتماعی، صمیمیت اجتماع محلی، تداوم فضا - زمان و طول مدت سکونت را به‌عنوان عوامل اصلی دل‌بستگی به مکان تلقی کرده است.

نوشته حاضر، در شناسایی قشری از میان ساکنین محل دردشت که حس تعلق بیشتری نسبت به بقیه گروه‌های اجتماعی ساکن در محله دارند، سعی خواهد کرد؛ همچنین انجام این تحقیق در جهت حفظ و جلوگیری از افول این بافت تاریخی ارزشمند، نقش قابل توجهی خواهد داشت.

۲.۲ ادبیات نظری

امروزه تحلیل‌های منفرد اجتماعی و مکانی در معماری و شهرسازی جای خود را به تحلیل‌های اجتماعی - مکانی داده است، یعنی ارتباط میان انسان‌ها هرگز نمی‌تواند منفک از محیط و فضای زندگی آن‌ها صورت پذیرد (عسگری و فتیحی، ۱۴۰۰: ۱۰۴). به دیگر سخن، سرمایه‌های یک بافت تاریخی به چهار دسته سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی،

سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین تقسیم می‌شوند (اختر محقق، ۱۳۸۵). سرمایه‌های اجتماعی یک بافت تاریخی، از منابع بالفعل و بالقوه‌ای است که با عضویت در شبکه پایداری از روابط، در دسترس فرد قرار می‌گیرد و خدمات متقابل را میسر می‌سازد. سرمایه‌های اجتماعی «چیزی ملموس که بیش‌ترین آثار را در زندگی روزمره دارد: حس نیاز، همدلی و معاشرت اجتماعی در بین افراد و خانواده‌ها که سازنده واحد اجتماعی‌اند» (ولکاک و نارایان، ۱۳۸۴: ۵۳۴) مشارکت اجتماعی یکی از مشخصه‌های سرمایه‌های اجتماعی در بافت‌های تاریخی و فضاهای شهری محسوب می‌شوند.

مشارکت ساکنین در بافت‌های تاریخی شهری از آن‌جهت تأثیرگذار خواهد بود که ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و کالبدی بافت توجه بیشتری قرار گرفته و فرآیند ارتقاء بافت تاریخی را به دلیل مطابقت یافتن با نظرات و پیشنهاد ساکنان تسهیل می‌کند و هویت و حس مکان در محله را افزایش می‌دهد (دویران و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۲). در فرآیند بهسازی و نوسازی در بافت‌های تاریخی شهری نیز ذکر شده است که ساکنین جدید نه تنها به بهبود وضعیت مکان زیستی خود کمکی نکرده‌اند، بلکه باعث بدتر شدن وضعیت آن به دلیل نبود حس تعلق به مکان نیز می‌گردند. (شماعی و همکار، ۱۳۸۲: ۳۴۷). پس شناخت ساکنین بومی در حفظ و حراست از بافت‌های تاریخی و مشارکت این قشر از محل زندگی خود نقش تعیین‌کننده خواهد داشت.

فرایند دل‌بستگی به مکان یک مفهوم چندبُعدی و بین‌رشته‌ای است که ابعاد گوناگونی از پیوند انسان با مکان را ترکیب می‌کند و زمینه‌های گوناگون روان‌شناسی، روان‌شناسی محیطی، طراحی، جامعه‌شناسی و ارتباط‌شناسی را در برمی‌گیرد. به کارگیری این حوزه‌ها می‌تواند دریچه متفاوتی از چارچوب نظری فرایند دل‌بستگی مکانی را در اختیار محققین قرار دهد (مجتبوی و همکاران، ۱۴۰۰). دل‌بستگی به مکان به‌عنوان یکی از مفاهیم مطرح‌شده در حوزه روان‌شناسی محیطی اشاره به روابط و پیوندهای احساسی میان مردم و مکان‌ها دارد. حس مکان یک پیوند پویا است که فرد در نتیجه دل‌بستگی به مکان، هوشیاری نسبت به مکان، تعلق به مکان، رضایت از مکان و تعهد به مکان، آن را توسعه می‌دهد (Shamai, 1991: 169-189). پژوهشگرانی دل‌بستگی به مکان را در غالب ۱- شخص که به دو صورت گروه فرهنگی (مذهب و تاریخ) و شخصی (تجربیات، تحقق و تفحص)، ۲- مکان که در غالب (اجتماعی و فیزیکی) تقسیم‌بندی شده است و

۳- فرآیند (تأثیرات شادی، علاقه‌مندی)، شناخت (معنایی، علمی و طرحی) و رفتاری تقسیم‌بندی کرده است (Scannell & Gifford, 2010). دل‌بستگی به مکان را می‌توان به‌عنوان یک فعل ذهنی که به گونه‌ای هم‌زمان دربردارنده پیوندهای احساسی، شناختی و رفتاری مردم با محیط پیرامونی خود می‌باشد به‌شمار آورد. به‌عبارت‌دیگر، می‌توان بیان نمود که دل‌بستگی به مکان سطحی از سطوح حس مکان می‌باشد که دربردارنده جنبه‌های رفتاری (خدمات و الگوهای رفتاری)، شناختی (هویت، معنا، دانش، الگو و خاطره) و احساسی (عشق، علاقه، تعصب و غرور) بوده که این مهم خود وابستگی زیادی به عوامل فردی، اجتماعی و کالبدی دارد. در پاسخ‌گویی و ارضای هریک از این ابعاد، به‌تناسب شرایط و موقعیت و با التفات به مقیاس تحلیلی محله سه مؤلفه‌ی فردی، اجتماعی و کالبدی می‌تواند مؤثر واقع گردد (زمانی و هنرور، ۱۳۹۶).

بسیاری از محققین دل‌بستگی به مکان برای شهروندان را، ریشه در ارتباطات جمعی و اجتماعی آن‌ها می‌دانند (Pretty, Chipuer & Bramson, 2003). حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت متمایز و مشخص هستند (دارای هویت مکان) (Norberg-Schults, 2013: 93). همچنین حس مکان عاملی است که میان انسان و مکان ارتباط برقرار کرده و وحدت به وجود می‌آورد. این نوع حس مکان احساس تعلق به وجود می‌آورد. مجموعه‌ای از حکایات و روایات فردی و جمعی که توأم با مکان رخ می‌دهند و در ایجاد تعلقات اجتماعی به مکان مؤثرند (حیبی، ۱۳۷۸: ۲۰). این حس به گونه‌ای به پیوند فرد با مکان منجر می‌شود که انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی و عملکردها، نقشی را برای مکان در ذهن متصور می‌سازد. این نقش نزد او منحصر به فرد و متفاوت هست و در نتیجه مکان برای او مهم و قابل احترام می‌شود. یک مکان به دلیل امکان رخداد یک رابطه اجتماعی و تجربه مشترک میان افراد، احساس تعلق و دل‌بستگی را شکل می‌دهد (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۳۱۹). حس مکان شخص را به گونه‌ای با محیط پیوند می‌دهد که فهم و احساس انسان با زمینه معنایی محیط به یکپارچگی می‌رسد (Hummon, 1992). احساس تعلق و دل‌بستگی به مکان، سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت و فضا به‌منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان، نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۰). تعلق به مکان همان‌گونه که با طولانی شدن مدت سکونت فرد در یک محل

افزایش می‌یابد، وابستگی زیادی به تعامل فرد با دیگران در آن مکان دارد (Relph, 1976: 33). فرآیندی که در ایجاد تعلقات روحی روانی نسبت به محیط ایجاد می‌گردد، از جنس آشنایی، احساس، هیجان و خاطره است (Cross, 2003). پژوهشگرانی، اهمیت تاریخی مکان را عاملی بر وابستگی مکان معرفی می‌کنند (Nasar, 1990).

شناخت ساکنین بومی تعلق‌پذیر به محله دردشت و توجه به خصوصیات مورد توجه آن‌ها جهت زندگی و سکونت در این محله منجر به ایجاد آرامش اجتماعی، کاهش حس غریبگی و تراکم اخلاقی ناشی از آن، تبدیل کنش‌های اجتماعی و اگرچه به همگرا و کمک به جاذبه‌های گردشگری و توریستی در محله و در نهایت، مطلوبیت فضای شهری را ارتقاء می‌دهد. در این رابطه پرسش‌نامه‌ای در جهت شناسایی ساکنین بومی تعلق‌پذیر در محله دردشت تدوین، توزیع و تحلیل شده است. چراکه احساس تعلق به محیط زندگی، نقشی در هویت بخشی و تعلق اجتماعی فضای محله ایفا خواهد کرد.

۳- روش پژوهش

این پژوهش از روش ترکیبی بهره برده است. بخش نخست این نوشتار که به مباحث نظری و شناخت موضوع اختصاص دارد، به واسطه استفاده از راهبردهای کیفی در بستر کتابخانه‌ای میسر شده است. بخش دوم به موردپژوهی اختصاص دارد و از راهبرد کمی در بستری پیمایشی استفاده شده است. ابزار اصلی بخش دوم، پرسش‌نامه به صورت بسته و در یک مرحله جهت پاسخگویی به سؤالات تحقیق، سازمان‌یافته است؛ لذا پرسش‌نامه فوق‌الذکر، در جهت یافتن گروهی که حس تعلق مضاعف نسبت به محله سکونت خود دارند، تنظیم و توزیع شده است؛ داده‌های حاصل از این بخش توسط نرم‌افزار آماری^۱ مورد تحلیل آماری قرار گرفته است. در پایان، نتایج با رویکرد استنتاجی و اکتشافی ارائه گردیده است.

جامعه آماری برای توزیع پرسش‌نامه^۲، در این پژوهش، به صورت هدفمند

^۱ (Spss -نسخه ۱۹)

^۲ بررسی میزان همبستگی سؤالات نیز به وسیله محاسبه ضریب همبستگی اسپیرمن صورت پذیرفته است. معنی‌داری ضریب همبستگی، میزان اعتبار حاصل از نتایج نمونه و تعمیم آن به جامعه را ارزیابی می‌کند. مقدار این شاخص حد واسطه ۱ و ۱- می‌باشد که اگر افزایش در یک متغیر همراه با افزایش در متغیر دیگر باشد، همبستگی بین دو متغیر مستقیم و مثبت است و بالعکس (ساعی، ۱۳۸۸: ۴۰-۲۵۳).

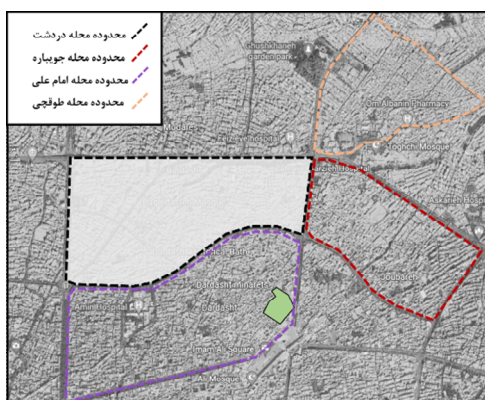
انتخاب شده و با توجه به جمعیت ساکن در محله دردشت که ۲۴۴۵ نفر هست (دهقانی، ۱۳۹۸)، تعداد حجم نمونه آماری بر اساس فرمول کوکران، ۳۳۲ نفر در نظر گرفته شده است. این محاسبه با ضریب خطای ۵٪ صورت گرفته است؛ سپس قشر پرسش شونده بر اساس: جنسیت، شغل و سن تعیین شده‌اند. از نظر جنسیت به دو گروه زن و مرد طبقه‌بندی شده‌اند؛ خانم‌ها از نظر مشاغل در گروه‌های شغلی: خانه‌دار، معلم، کارمند، دانشجو، دانش آموز، مغازه‌دار، پرستار، پزشک، مهندس، کارگر ساده و سایر مشاغل طبقه‌بندی شده‌اند. در گروه سنی^۱ به: جوان، میان‌سال و مسن، طبقه‌بندی شده‌اند. با توجه به این که دانشجویان و دانش آموزان، بیشتر در گروه سنی جوان قرار می‌گیرد، توزیع پرسشنامه در گروه‌های سنی میان‌سال و مسن برای این دو گروه حذف و به سایر مشاغل انتقال یافت؛ همچنین از آنجا که در این محل مهندس میان‌سال و مسن در میان زنان و کارمند مسن در میان این قشر یافت نشد، توزیع این شغل با گروه‌های سنی یادشده به سایر مشاغل انتقال یافت؛ همچنین، به علت آن که در میان زنان در محله دردشت گروه خانه‌دار بیشترین جمعیت را تشکیل می‌دهند، توزیع سایر مشاغل، بیشتر در میان زنان خانه‌دار انجام گرفته است. آقایان از نظر مشاغل، در گروه‌های شغلی: معلم، کارمند، دانش جو، دانش آموز، پرستار، مغازه‌دار، پزشک، مهندس، کارگر ساده، بیکار و سایر مشاغل و در گروه سنی، به: جوان، میان‌سال و مسن، طبقه‌بندی شده‌اند.

بدیهی است که شهر اصفهان را می‌توان از دسته شهرهای سرآمد و غنی در عموم دوره‌های تاریخی ایران به شمار آورد که اوج رونق و شکوه آن مربوط به عهد صفوی و در دوران شاه‌عباس صفوی می‌باشد که بر اساس اصول و نظامات فکری ساختاریافته‌ای بنیان نهاده شده است. در این میان، محله دردشت اصفهان نیز از جمله محلات تاریخی و کلیدی شهر اصفهان می‌باشد که هسته اولیه تشکیل‌دهنده آن در دوران سلجوقی شکل گرفته و در زمان حکومت صفوی تکمیل گشته است و تا به امروز بافت و کلیت

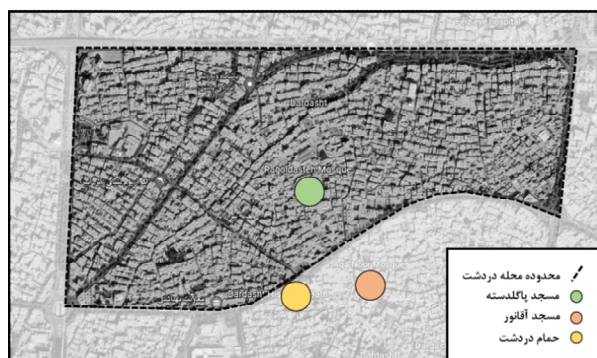
^۱ - با توجه به این که دانشجویان و دانش آموزان، بیشتر در گروه سنی جوان قرار می‌گیرند، توزیع پرسشنامه در گروه‌های سنی میان‌سال و مسن برای این دو گروه حذف و به سایر مشاغل انتقال یافت؛ همچنین به علت آن که در این محل مهندس میان‌سال و مسن در میان زنان و کارمند مسن در میان این قشر یافت نشد، توزیع این شغل با گروه‌های سنی یادشده به سایر مشاغل انتقال یافت و به علت آن که در میان زنان در محله جویبار گروه خانه‌دار بیشترین جمعیت را تشکیل می‌دهند، توزیع سایر مشاغل، بیشتر در میان زنان خانه‌دار انجام گرفته است.

اعتباربخشی اجتماعی بر مفهوم تعلق‌پذیری در محلات تاریخی

اصلی خویش تا حد بسیار زیادی حفظ نموده است (اسمعیلیان، پورجعفر، ۱۳۹۲). علاوه بر این، محله دردشت در منطقه ۳ اصفهان و در بخش شمال شرقی آن واقع گردیده است و از حیث هم‌جواری با محلاتی نظیر محله امام علی، جویباره و طوقچی ارتباط داشته و همچنین کاربری‌های مهمی مانند حمام کهن دردشت، مسجد پا گلدهسته و مسجد آقانور در این محله سکنی گزیده‌اند (شکل ۱ و ۲).



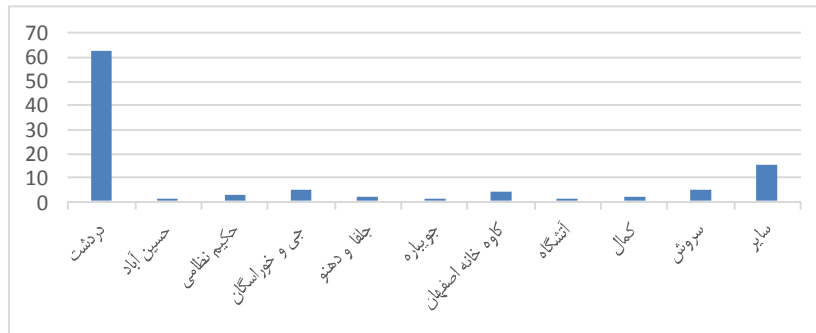
شکل ۱: موقعیت قرارگیری محله دردشت نسبت به سایر محله‌های هم‌جوار
(منبع: تصویر ویرایش شده از google earth در فروردین ۱۴۰۰).



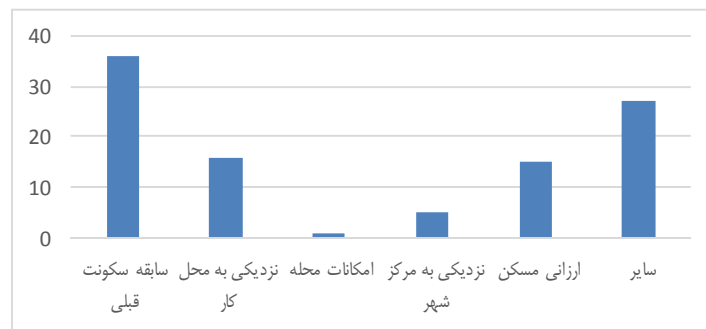
شکل ۲: کاربری‌های مهم موجود در نزدیکی محله دردشت
(منبع: تصویر ویرایش شده از google earth در فروردین ۱۴۰۰).

۴- تحلیل تجربی

جمعیت آماری پژوهش، ساکنین بومی محله دردشت در شهر اصفهان هستند. جمعیت ساکن در محله دردشت در سال (۱۳۹۰) جمعیتی در حدود ۲۴۴۵ نفر بوده است که از این میزان ۱۲۱۳۱ نفر مرد و ۱۲۱۴ نفر زنان را شامل شده است و تعداد ۷۸۴ خانوار در این محله سکونت گزیده‌اند (آمار ۱۳۹۰). محتوای پرسش‌نامه علاوه بر سوا لاتی مربوط به جنس، شغل و سن، به صورت ۱۸ پرسش بسته مطرح شده است. پرسش‌های مطرح شده، در جهت میزان حس تعلق و علاقه ساکنین نسبت به محله دردشت تدوین شده است. بر اساس تحلیل‌های (شکل ۳) بیشترین پرسش‌شوندگان خود را ساکن محله دردشت می‌دانند که این امر نشان‌دهنده حس تعلق اهالی به محله دردشت هست و علت سکونت خودشان را به ترتیب: سابقه سکونت قبلی، نزدیکی به محله کار و ارزانی مسکن بیان کرده‌اند (شکل ۴).



شکل ۳: توزیع فراوانی برحسب: «اهل کدام محله هستید؟» (منبع: نگارندگان).



شکل ۴: توزیع فراوانی برحسب: «سنجش چرایی سکونت در این محله» (منبع: نگارندگان).

تمایل جامعه آماری برای سکونت در این محله، از نظر سن: مسن، از نظر جنس: مردها و از نظر شغل برای زنان و مردان: به ترتیب خانه‌دار، کارگر و مغازه‌دار ارزیابی شده است. گروه سنی: مسن، جنسیت: زنان و نوع شغل (خانه‌دار، پرستار، مغازه‌دار، کارگر) زندگی در محله را خوشایند ارزیابی کرده‌اند (جدول ۱). در (تصاویر ۵)، بیشتر پاسخ‌دهندگان، متمایل به زندگی و کار در این محله می‌باشند. در (جدول ۲) میانگین حس تعلق به محله بر اساس سن، جنس و شغل ارزیابی شده است. نتایج حاصل از این جدول حاکی از آن است که مردان در گروه سنی مسن و در گروه شغلی (پرستار، مهندس، بیکار، کارمند و مغازه‌دار) و گروه سنی جوان با شغل دانش‌آموز و پرستار و زنان در گروه سنی مسن و گروه شغلی (خانه‌دار، معلم) و در گروه سنی جوان و شغل دانشجو بیشتر از سایرین، دارای حس تعلق به محله در دشت هستند.

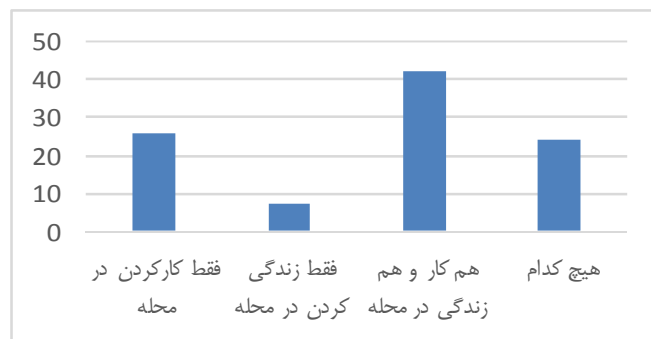
جدول ۱: توزیع فراوانی برحسب: «درصد فراوانی بر اساس تمایل سکونت و خوشایند بودن زندگی در محله

در دشت» (منبع: نگارندگان).

وضعیت	درصد فراوانی بر اساس تمایل سکونت در محله		درصد فراوانی بر اساس خوشایند بودن زندگی در محله	
	بلی	خیر	بلی	خیر
بر اساس سن ^۱	جوان	۳۳	۴۳/۸	۳۱/۷
	میان‌سال	۲۵	۳۱/۲	۲۷/۵
	مسن	۳۷/۲	۲۲/۹	۳۷/۷
بر اساس جنس	زن	۴۷/۳	۵۴/۹	۵۱/۵
	مرد	۵۲/۷	۴۵/۱	۴۸/۵
بر اساس شغل	سایر مشاغل	۱۳/۸	۱۴/۶	۹
	بیکار	۴/۳	۴/۹	۴/۲

^۱ - در تحلیل این پرسش‌نامه گروه‌های سنی از نظر گروه جوان (۱۰-۴۰)، میان‌سال (۴۰-۶۰) و مسن را (۶۰-۸۰) در نظر گرفته شده است که این اعداد بر اساس آنچه (شاملو، ۱۳۶۴) طبقه‌بندی کرده، انتخاب شده است.

کارگر	۱۱/۲	۶/۲	۹/۶	۸/۴
مهندس	۶/۹	۴/۹	۶/۶	۵/۴
پزشک	۵/۳	۱۳/۹	۵/۴	۱۲/۶
مغازه‌دار	۸	۱۰/۴	۱۰/۸	۷/۸
پرستار	۹	۹	۱۱/۴	۶/۶
دانش‌آموز	۳/۲	۲/۸	۴/۸	۱/۲
دانشجو	۲/۷	۳/۵	۲/۴	۳/۶
کارمند	۶/۴	۹	۶/۶	۸/۴
معلم	۶/۹	۱۲/۵	۷/۲	۱۱/۴
خانه‌دار	۲۲/۳	۸/۳	۲۲/۲	۱۰/۸



شکل ۵: توزیع فراوانی «سنجش کار کردن و سکونت در محله در دشت» (منبع: نگارندگان).

جدول ۲: میانگین احساس تعلق به محله بر اساس ویژگی‌های جنس، سن و شغل (منبع: نگارندگان).

سالمند	میان‌سال	جوان	جنس	شغل
۰	۰	۲/۳	زن	سایر مشاغل
۲/۶۱	۰	۲/۸	مرد	
۰	۰		زن	بیکار
۳/۳۶	۲/۶۷	۲/۸۱	مرد	
۲/۸	۳/۱۹	۲/۷	زن	کارگر

اعتباربخشی اجتماعی بر مفهوم تعلق‌پذیری در محلات تاریخی

۲/۵۴	۲/۶	۲/۸۳	مرد	
۰	۰	۱/۹۶	زن	مهندس
۳/۷۲	۲/۸۷	۲/۸۷	مرد	
۳/۱۴	۲/۱	۱/۸۷	زن	پزشک
۲/۵۳	۲/۰۵	۲/۶۹	مرد	
۲/۸۸	۲/۳۲	۲/۵	زن	مغازه‌دار
۳/۰۲	۲/۶۷	۱/۸۶	مرد	
۲/۰۴	۲/۶۵	۲/۰۴	زن	پرستار
۳/۸۹	۲/۸۷	۳/۲	مرد	
۰	۰	۱/۶۴	زن	دانش‌آموز
۰	۰	۴/۰۸	مرد	
۰	۰	۳/۲۵	زن	دانشجو
۰	۰	۱/۸۷	مرد	
	۱/۱۵	۱/۸۷	زن	کارمند
۳/۳۸	۲/۹۷	۲/۲۳	مرد	
۳/۲۳	۱/۲۷	۱/۸۳	زن	معلم
۲/۹۷	۲/۸۳	۲/۵	مرد	
۳/۶۱	۲/۸۲	۲/۵۷	زن	خانه‌دار
۰	۰	۰	مرد	

تحلیل یافته‌ها

حفظ بافت‌های تاریخی به گونه‌ای که شرایط زندگی ساکنین بومی آن به نحو احسن و طبق خواسته و نیازهای آن‌ها برطرف گردد، از ملزومات زندگی شهری امروزه محسوب می‌شود. با توجه به این که محله دردشت دارای ویژگی‌های منحصر به فرد فرهنگی و تاریخی است، نتایج حاصل از پرسش‌نامه حاکی بر آن است که گروه سنی سالمند، در هر دو گروه زن و مرد، حس تعلق بیشتری را نسبت به سایر گروه‌های سنی دیگر که در محله ساکن هستند، دارا هستند؛ همچنین نتایج ذیل از تحلیل پرسش‌نامه حاصل شده است:

- بیشترین میزان خوشایندی در محله به گروه سنی مسن، در بین مشاغل برای زنان و مردان به ترتیب: خانه‌دار، پرستار، مغازه‌دار و کارگر ارزیابی شده است.

- میزان تمایل برای سکونت در محله از نظر سن: مسن، از نظر جنس مردها و از نظر شغل برای زنان و مردان به ترتیب: خانه‌دار، کارگر و مغازه‌دار، ارزیابی شده است.

- برای انتخاب محله سکونت، گروه سنی: مسن، گروه جنسی: مردان و در بین مشاغل برای زنان و مردان: خانه‌دار، کارگر، معلم، زندگی در محله دردشت را انتخاب کرده‌اند.

- از نظر میزان علاقه به محله، گروه سنی مسن، گروه مردان و گروه شغلی برای زنان و مردان: خانه‌دار، معلم، پرستار، مغازه‌دار علاقه‌مند به زندگی در محله هستند.

- میزان حس تعلق به محله در مردان در گروه سنی مسن و گروه شغلی (پرستار، مهندس، بیکار، کارمند و مغازه‌دار) و برای زنان در گروه شغلی (خانه‌دار و معلم) بیشترین حس تعلق به محله را دارا هستند. علاوه بر آن، با مقایسه و تحلیل داده‌ها، نتایج زیر حاصل شده است:

بین جنس و احساس تعلق به محله رابطه معنی‌داری وجود دارد:
آزمون همگنی واریانس مشخص می‌کند که واریانس‌های دو گروه باهم برابرند (و $\text{sig} = 0/090 > 0/05$). نتایج آزمون تفاوت میانگین نشان می‌دهد که تفاوت میانگین $0/22-$ بوده؛ که نشان می‌دهد حس تعلق به محله در مردان کمی بیشتر از زنان است. با توجه به آزمون تفاوت میانگین‌های دو گروه مستقل و مقدار $t = 84/1$ سطح معنی‌داری $P = 0/66$ نتیجه گرفته می‌شود بین میانگین نمرات احساس تعلق به محله در زنان و مردان وجود ندارد (جداول ۳ و ۴).

اعتباربخشی اجتماعی بر مفهوم تعلق‌پذیری در محلات تاریخی

جدول ۳: خروجی آزمون گروه‌های مستقل (منبع: نگارندگان).

متغیر تحت بررسی	آزمون واریانس همگنی لون		درجه آزادی	مقدار T	سطح معنی داری
	مقدار F ^۱	سطح معنی داری			
احساس تعلق به محله	۲/۸۱	۰/۰۹	۳۱۲	-۱/۸۴	۰/۰۶۶

جدول ۴: میانگین‌ها بر اساس جنسیت (منبع: نگارندگان).

حس تعلق به محله	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین‌ها
زن	۲/۵۶	۱/۱	-۰/۲۲
مرد	۲/۷۸	۱/۰۳	

بین شغل و احساس تعلق به محله رابطه معناداری وجود دارد.

همان‌طور که از (جدول ۵ و ۶) مشخص می‌شود، در سطح ۹۵ درصد اطمینان: بین احساس تعلق به محله و نوع شغل رابطه معنی داری وجود دارد. سطح معنی داری این رابطه ۰/۰۰۶ بوده و کمتر از ۰/۰۵ هست. مقدار نسبت F نیز نشانگر این ادعا است. توجه به میانگین‌ها نشان می‌دهد که میانگین تعلق به محله در خانه‌دارها و بعد از آن مغازه‌دار بالاتر از سایرین است.

جدول ۵: تحلیل واریانس یک‌راهه (منبع: نگارندگان).

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معنی داری
بین گروهی ^۱	۲۹/۶۸	۱۱	۲/۶۹۹	۲/۴۳	۰/۰۰۶
درون گروهی	۳۳۵/۱۷	۳۰۲	۱/۱۱		
کل	۳۶۴/۸۶۹	۳۱۳			

^۱ - ضریب F، واریانس احساس تعلق به محله در گروه‌های شغلی است.

^۲ - بین گروهی به معنای احساس تعلق محله بین گروه‌های شغلی درون گروهی و درون گروهی، به معنای احساس تعلق محله در درون یک گروه شغلی خاص است.

جدول ۶: میانگین‌ها بر اساس شغل (منبع: نگارندگان).

حس تعلق به محله	میانگین	انحراف معیار	تعداد
سایر مشاغل	۲/۶۶	۰/۸۹	۴۵
بیکار	۲/۹۳	۱/۱	۱۳
کارگر	۲/۷۸	۰/۹۶	۲۹
مهندس	۲/۷۶	۱/۱۱	۱۸
پزشک	۲/۱۹	۰/۹۴	۲۸
مغازه‌دار	۲/۹۸	۰/۹۲	۲۷
پرستار	۲/۷۷	۱/۰۸	۲۹
دانش‌آموز	۲/۸۶	۱/۴	۱۰
دانشجو	۲/۵۱	۱/۳	۱۰
کارمند	۲/۲۲	۱/۱۵	۲۴
معلم	۲/۴۱	۱/۱۸	۲۹
خانه‌دار	۳/۱۸	۰/۹	۵۲

بین سن و احساس تعلق به محله رابطه وجود دارد.

در سطح ۹۵ درصد اطمینان: بین احساس تعلق به محله و سن رابطه معنی‌داری وجود دارد. سطح معنی‌داری این رابطه ۰/۰۰۰ بوده و کمتر از ۰/۰۵ هست. مقدار نسبت F نیز نشانگر این ادعا است. توجه به میانگین‌ها نشان می‌دهد که میانگین تعلق به محله در افراد مسن بالاتر از سایرین است (جداول ۷ و ۸).

جدول ۷: میانگین‌ها بر اساس سن (منبع: نگارندگان).

حس تعلق به محله	میانگین	انحراف معیار	تعداد
جوان	۲/۴۷	۱/۰۷	۱۲۰
میان‌سال	۲/۴۹	۱/۱۳	۸۸
مسن	۳/۰۷	۰/۹۳	۹۴

جدول ۸: تحلیل واریانس یک‌راهه (منبع: نگارندگان).

منبع	مجموع	درجه	میانگین	نسبت	سطح
تغییرات	مجذورات	آزادی	مجذورات	F	معنی داری
بین گروهی	۲۳/۳۴	۲	۷/۷۸	۷/۰۶	۰/۰۰۰
درون گروهی	۳۴۱/۵۲۲	۳۱۰	۱/۱۰۲		
کل	۳۶۴/۸۶	۳۱۲			

۵- نتیجه گیری

با افزایش بی‌رویه جمعیت، به‌ویژه جمعیت شهرنشین در چند دهه اخیر در کشور ایران، مسئله فضا و توسعه پایدار اجتماعی از اهمیت قابل‌توجهی برخوردار گردیده است. از آنجاکه محله دردشت، هسته اصلی در جهت گسترش شهر می‌باشد و هم‌جواری با مسجد جامع اصفهان، میدان امام علی، منار ساربان، مناره چهل‌دختران، وجود بناهای باارزش تاریخی به ارزش این بافت تاریخی، فرهنگی کمک شایانی کرده است، حفظ و نگهداری از این بافت ارزشمند مورد توجه این پژوهش قرار گرفته است. در این راستا جلب مشارکت و سنجش حس تعلق مردم ساکن در محله مورد ارزیابی قرار داده شده است و نتایج حاصله از (جدول ۴)، حاکی از آن است که سطح تفاوت احساس تعلق به محله دردشت بین زنان و مردان تفاوت چندانی ندارد (جداول ۳ و ۴)؛ بنابراین رابطه معناداری جنسیت با احساس تعلق به مکان بسیار نزدیک به هم بوده و جنسیت، تأثیر مضاعفی بر حس تعلق به مکان در محله نخواهد گذاشت؛ اما سن و شغل معناداری قابل‌توجهی را برای ایجاد حس تعلق در محله دردشت حادث می‌شوند (جداول ۵ تا ۸).

با توجه به مطالب گفته‌شده در میان گروه‌های سنی، گروه سنی سالمند، حس تعلق مضاعفی نسبت به سایرین در محله دارند (جداول ۷ و ۸)؛ حس تعلق به محله برحسب شغل ساکنین، در میان زنان خانه‌دار و در بین مردان مغازه‌دار بیشتر از بقیه اقشار پرسش‌شونده می‌باشد (جداول ۴ تا ۶)؛ بنابراین، سالمندان در گروه مردان با شغل مغازه‌دار و زنان با شغل خانه‌دار دارای حس تعلق مضاعفی نسبت به بقیه ساکنین در محله دردشت هستند. همچنین بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده، در گروه‌های سنی، گروه جوان، در گروه شغلی، پزشک و در گروه جنسی زنان نسبت به مردان، میزان تعلق

کمتری به محله زندگی خود دارا هستند (جدول ۴).

پژوهشگرانی به بررسی اثبات تأثیر حس تعلق به محله زندگی در سلامت فردی و اجتماعی زنان سالمند در استرالیا پرداخته‌اند (جدول ۱ و ۲)؛ عده‌ای حس تعلق مکان را در میزان رضایت سالمندان و کودکان به‌عنوان افراد کم‌توان ساکن در محلات گوناگون مورد بررسی قرار داده‌اند؛ محققانی نیز به بررسی تأثیر عوامل کالبدی از جمله وجود خدمات شهری مانند فضای سبز بر حس تعلق در یک محله پرداخته‌اند؛ عده‌ای نیز احساس تعلق به مکان را بر اساس، هیجان، خاطره، احساس و آشنایی افراد با آن مکان مورد جست‌وجو قرار داده‌اند (جدول ۲). تحلیل داده‌های پژوهش حاضر مبتنی بر آن است که تأثیر ویژگی‌های سنی، جنسی و شغلی را بر میزان احساس تعلق به محله در دست که یکی از قدیمی‌ترین محلات اصفهان است، مورد بررسی قرار دهد و در نهایت، به معناداری و ارتباط بین این عوامل و تأثیر آن بر احساس تعلق به محله در دست در بین ساکنین دست یافته است.

با توجه به نتایج حاصل شده از این تحقیق، گروه‌های یادشده به‌عنوان سرمایه‌هایی اجتماعی، از این محله مورد شناسایی قرار گرفته‌اند؛ قطعاً حفظ و تقویت جایگاه این گروه اجتماعی در این بافت تاریخی و نیز بهره‌مندی از ظرفیت‌های حاصل از تداوم حضور در محله در دست، در جمیع برنامه‌ریزی‌های آتی مرتبط با این محله واجد ارزش و درخور توجه، خواهد بود.

پژوهش‌های آتی می‌تواند به بررسی نیازها و خواسته‌های قشر تعلق‌پذیر در این محله تاریخی، بپردازد و با بهره‌مندی از راهکارهای اصولی، از تضعیف این بافت ارزشمند ممانعت نماید. همچنین قابل ارزش است که برای سایر محلات تاریخی دیگر این پژوهش مورد استفاده قرار گیرد و در نهایت به صورت مقایسه تطبیقی، با محله در دست مورد ارزیابی واقع شود.

منابع

- اختر محققى، مهدى (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی، تهران: انتشارات محققى.
- اسمعیلیان، سحر؛ پورجعفر، محمدرضا (۱۳۹۲). در جستجوی معیارهای شکل‌دهنده شبکه فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران؛ نمونه موردی: اصفهان، دردشت، فصلنامه مدیریت شهری، ۱۱ (۳۱): ۶۵-۸۲.
- آلمن، ایرو (۱۳۸۲). محیط و رفتار اجتماعی (خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام). ترجمه علی نمازیان، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۶۹). «واحد همسایگی»، نشریه صفا، شماره ۱: ۳۰-۳۸.
- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۸). سیر اندیشه در شهرسازی ۳، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- جوان فروزنده، علی؛ مطلبی، قاسم (۱۳۸۹). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، مجله هویت شهر، ۵ (۸): ۲۷-۳۷.
- دهقانی، حمید (۱۳۹۸). تیپولوژی مناطق ۱۵ گانه شهری اصفهان با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی محله‌های فوق بدخیم، جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۰ (۲): ۱۱۷-۱۳۶.
- دوبران، اسماعیل؛ مشکینی، ابوالفضل؛ کاظمیان، غلامرضا؛ علی‌آبادی، زینب (۱۳۹۰). بررسی مداخله در ساماندهی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری با رویکرد ترکیبی (نمونه موردی: محله زینیه زنجان)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۲ (۷): ۷۱-۹۰.
- رحیمی، روح‌الله؛ انصاری، مجتبی؛ بمانیان، محمدرضا؛ مهدوی نژاد، محمدجواد (۱۳۹۹). ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر حس دلبستگی به مکان در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی منتخب تهران، باغ نظر، ۱۷ (۸۳): ۱۵-۳۰.
- رحیمی، لیلا؛ علیلو، لیلا بردبار، حدیث (۱۴۰۰). تحلیل و بررسی میزان تأثیر زمینه‌گرایی بر دلبستگی به مکان در محله‌های تاریخی (موردشناسی: محله‌های سرخاب و دوه‌چی تبریز). جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای، ۱۱ (۴۰): ۱-۲۸.
- زمانی، بهادر؛ هنرور، محسن (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری دلبستگی مکانی در محله‌های شهری (نمونه موردی: محله‌های دردشت، چهارسوقی‌ها، ملاصدرا و دوظفان شهر اصفهان)، معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۰ (۲۱): ۱۶۱-۱۷۲.
- ساعی، علی (۱۳۸۸). درآمدی بر پژوهش اجتماعی: رویکرد تحلیل کمی در علوم

اجتماعی، تهران: آگاه.

- شاملو، غلامعلی (۱۳۶۴). پیری چیست؟ چرا پیر می‌شویم؟ تهران: چهر.
- شفق، سیروس (۱۳۷۶). «شناخت بافت‌های قدیمی شهری». مجموعه مقالات همایش تخصصی بافت‌های شهری، وزارت مسکن و شهرسازی: ۳۸۱-۳۹۵.
- شکویی، حسین (۱۳۶۲). جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر، تهران: جهاد دانشگاهی.
- شماعی، علی؛ پوراحمد، احمد (۱۳۸۲). بهسازی و نوسازی شهری از دید علم جغرافیا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عسگری، علی؛ فتحی، راضیه (۱۴۰۰). تأثیرپذیری و تأثیرگذاری معماری و شهرسازی از فرهنگ مصرفی معاصر، فصلنامه علمی مطالعات میان فرهنگی، ۱۶(۴۶): ۱۰۳-۱۳۲.
- فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، ۱(۲۶): ۵۷-۶۶.
- قائدامینی هارونی، عباس؛ ابراهیم‌زاده، رضا؛ صادقی، مهرداد؛ عبدی، حمیرا (۱۳۹۷). بررسی ارتباط جامعه‌شناختی هویت فرهنگی و مشارکت فرهنگی با افزایش امنیت اجتماعی و امنیت فرهنگی، فصلنامه علمی مطالعات میان فرهنگی، ۱۳(۳۶): ۶۷-۹۶.
- لنگک، جان (۱۳۸۸). آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، ترجمه علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مجتبیوی، سیده مریم؛ مطلبی، قاسم؛ قدوسی فر، سید هادی (۱۴۰۰). واکاوی عوامل مؤثر در ایجاد دل‌بستگی به مکان در بازار (نمونه موردی: بازار تجریش)، باغ نظر، ۱۸(۱۰۵): ۳۳-۴۸.
- مطلبی، قاسم (۱۳۸۰). روان‌شناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری، هنرهای زیبا، ۱(۱۰): ۴۵-۶۱.
- مؤمنی، مهدی؛ بیک محمدی، حسن؛ مهدیزاده، زهره (۱۳۸۹). تحلیلی بر طرح‌های احیاء و نوسازی باز، بافت‌های فرسوده (نمونه موردی محله جویباره اصفهان)، مجله مطالعات و پژوهش منطقه‌ای، ۲(۷): ۳۷-۴۵.
- ولکاک، مایکل؛ نارایان، دیبا (۱۳۸۴). سرمایه‌های اجتماعی و تبعات آن برای نظریه توسعه، پژوهش و سیاست‌گذاری، (گردآورنده: کیان تاجبخش، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان)، تهران: شیرازه.

- Cross, J. E. (2003). What is Sense of Place: Research on Place & space.
- Hummon, D. M. (1992). Community attachment. In Place attachment (pp. 253-278). Springer, Boston, MA.
- Nasar, J. L. (1990). The evaluative image of the city. Journal of the American Planning Association, 56(1), 41-53.
- Norberg-Schulz, C. (2013). The phenomenon of place. In The urban design reader (pp. 292-304). Routledge.
- Pretty, G. H., Heather, M. & Paul, B. (2003). Sense of place amongst adolescents and adults in two rural Australian towns: The discriminating features of place attachment, sense of community and place dependence in relation to place identity. Journal of environmental psychology, 23(3), 273-287.
- Relph, E. (1976). Place and placelessness (Vol. 67). London: Pion.
- Sarrafi, M. (1992). Planning theory and development (No. 32). Discussion paper.
- Scannell, L. & Gifford, R. (2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. Journal of environmental psychology, 30(1), 1-10.
- Shamai, S. (1991). Sense of place: An empirical measurement. Geoforum, 22(3), 347-358.
- Shaykh-Baygloo, R. (2020). A multifaceted study of place attachment and its influences on civic involvement and place loyalty in Baharestan new town, Iran. Cities, 96, 102473.
- Young, A. F., Anne R., & Jennifer R. P. (2004). The sense of belonging to a neighbourhood: can it be measured and is it related to health and well being in older women?. Social science & medicine, 59(12), 2627-2637.